

امروز جوانان و نوجوانان ما، زیر بمباران شدید شبهات قرار دارند و مبانی اعتقادی آنها در معرض خطر است؛ از این رو، اگر تنها به جهات اثباتی دین اکتفا کنیم و معارف دین را بیان کنیم، مشکل شبهات، حل نمی‌شود؛ بلکه هم در زمینه ایجابی و هم در زمینه سلبی و پاسخ به شبهات، باید تلاش کرد.

آیت‌الله مصباح‌یزدی

# شبهات

شبهه‌شناسی گفت‌وگو با سید محمد تقی حسینی  
ضمیمه نشریه پاسخ، ویژه‌یوبیش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان  
شماره چهارم / مهر ماه ۱۴۰۱

- ◆ خیلی ادعاهای دیگر!
- ◆ بازگشت علم به دین
- ◆ مگر خمس برای غنائم جنگی نیست؟
- ◆ زمینه‌های اساسی تولید شبهه
- ◆ فقط قرآن؛ غیر آن رانمی‌پذیریم!
- ◆ دفاع از مرزهای فکری
- ◆ می‌ترسم از تردید
- ◆ جاودانگی اسلام و نیازهای متغیر بشر

## شبهه‌روز خیلی ادعاهای دیگر!

خیلی‌ها خیلی حرف‌های زنند؛

اینکه اگر نیروی انسانی و بودجه‌ای که در جنگ هزینه شد، صرف آبادانی کشور شده بود، ایران گلستان می‌شد؛

اینکه پس از آزادی خرمشهر، موازنه قدرت، به نفع ایران بود. اگر فرماندهان، پیشنهاد صلح را پذیرفته بودند، جنگ خاتمه می‌یافت و ما پیروز بلاهناز جنگ بودیم؛

اینکه امام را مجبور کردند به خاطر تهدید آمریکا یا دست برتر دشمن، قطع‌نامه ۵۹۸ را پذیرفته، جام شوکران را بنوشد؛

و خیلی ادعاهای دیگر.

خوشبختانه هنوز نسل مقاوم «جنگ‌دیده» و «بحران‌چشیده» زنده‌اند و می‌توانند از عهده پاسخ بسیاری از این شبهات برآیند...

و آغازین نکته آن که مگر

ما جنگ را شروع و چنین هزینه‌گرافی را به کشور تحمیل کردیم؟

هنوز بار فشار انقلاب بر شانه ملت ما سنگینی می‌کرد که صدام با

بلند پروازی‌های خصمانه‌اش، به کشورمان هجوم آورد و عزم فتح تهران کرد. عقل سلیم می‌پذیرد

که در برابر دشمن، ساکت نشسته، اجازه پیشروی در خاک وطن و دستیابی به نوامیس ملت را به او

بدهیم؟

وقتی امروز برخی متحدان اوکراین، همچون آلمان، حاضرند حتی به بهای مخالفت ملتشان، از اوکراین حمایت کنند، عاقلانه است که ما برای حفظ

سرزمین خویش، بهای لازم را نپردازیم؟

تازه، اگر جنگ، برای حزب بعث، جنگ بود، برای ما دفاع مقدس بود. ایرانیان همواره پایبند قواعدی

بوده‌اند که از بزرگان‌شان آموخته‌اند. بخشی از این قواعد را از زبان امام صادق (ع) بشنوید:

«وقتی پیامبر اکرم می‌خواست گروهی را برای جنگ اعزام کند، آنان را کنار خود نشانده، می‌فرمود: با نام

خدا، برای رضای خدا و مطابق

روش رسول خدا حرکت

کنید؛ غل و غش نکنید؛

مثله کردن و فریب را پیشه

نسازید؛ کهن سال و کودک و

زن را نکشید و هیچ درختی

را قطع نکنید؛ مگر مجبور

به قطع آن شوید.»<sup>۱</sup>

همین قواعد انسانی بود که

شکوه دفاع مقدس را از میدان

جنگ، فراتر برده، بر دل و جان ملت

ماجاری

می‌کرد.

دیگر آن که در

تاریخ دفاع مقدس،

هیچ گاه پیشنهاد

صلحی به ایران

ارائه نشد. تنها

بحث آتش‌بس بود

که فرصتی به صدام

می‌داد که نیروهای

خود را بازسازی

کرده، تازه نفس به

میدان جنگ، باز

گرداند.

آنان که قبول آتش‌بس پس از آزادی

خرمشهر را مطرح می‌کنند، هیچ می‌دانند

که در آن مقطع، بیش از هزار کیلومتر از

نقاط استراتژیک سرزمین ما در اختیار عراق

بود؟ متوجهند که قبول چنین پیشنهادی،

به از دست رفتن «نفت شهر» و ارتفاعات

«قصر شیرین» و... می‌انجامد؟

تازه، مگر دشمن‌هراسی یا توپ و تشر آمریکا

بود که امام را به پذیرش قطع‌نامه وادار کرد؟ او همان خمینی کبیر بود که فرمود: ما آمریکا را زیر پا له می‌کنیم! پذیرش قطع‌نامه، عوامل دیگری

داشت که رهبر معظم انقلاب، اینچنین به آنها اشاره می‌کند:

«قطع‌نامه را که امام قبول کرد، به خاطر فشارها نبود... به خاطر فهرست مشکلاتی

بود که مسئولین آن روز امور اقتصادی کشور، مقابل روی او گذاشتند

و نشان دادند که کشور نمی‌کشد و نمی‌تواند جنگ را

با این همه هزینه، ادامه دهد. پذیرش قطع‌نامه، به خاطر ترس نبود؛ به خاطر

هجوم دشمن نبود؛ به خاطر تهدید آمریکا

نبود... امام کسی نبود که رو برگرداند.»<sup>۲</sup>

دوستان! اینجاست که اگر شش دانگ حواسمان جمع

نباشد، جای شهید و جلا، عوض می‌شود!

□ حسین سروقامت

پی‌نوشت:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۸

۲. رهبر معظم انقلاب، ۱۴ خرداد ۱۳۷۵.





شبهه پژوهی

## چالش‌های دوران غیبت

در زمان غیبت وجود دارند، اندیشمندان، نخبگان و علما، باید میدان داری کنند.

### اشتراکات جریان‌های انحرافی در موضوع مهدویت

یکی از چالش‌های دوران غیبت و عصر کنونی، پیدایش مدعیان فراوان در باب مهدویت است که کشور عراق در این موضوع، به جهاتی پرتعداد است. غالب جریان‌های انحرافی در عراق - که به کشور ما هم سرزیر شده‌اند - معمولاً دارای چند وجه مشترک هستند:

۱. در بحث مهدویت، ادعای نیابت داشته، به نوعی خودشان را فرزند امام یا رابط امام زمان می‌دانند؛
۲. مبارزه با حوزه‌های علمیه، فقها و مراجع را در دستور کار خود دارند و حتی قیام مسلحانه را توصیه می‌کنند؛
۳. ادعاهای خود را به خواب یا رؤیا مستند می‌کنند و یا برای اثبات حقانیت خود، ادعاهای دروغین دیگری را مطرح می‌کنند؛
۴. اکثر اینها به حزب بعث منتسب هستند و تشکیلات آنها، در دانشگاه معماری و هنری بغداد بوده است؛
۵. با صرافیهایی که در امارات و قطر هستند، ارتباط داشته، معمولاً از بیرون، کمک و تقویت می‌شوند؛
۶. موافق حضور نیروهای آمریکایی در منطقه و از جمله در عراق هستند؛
۷. دشمن جدی بحث ولایت فقیه و جمهوری اسلامی ایران هستند؛
۸. تمرکز همه این جریان‌های انحرافی در عراق، در سه شهر شیعه‌نشین کربلا، نجف و بصره است؛
۹. حرکت‌های این جریان‌ها، با بحث نشانه‌های ظهور، آغاز شده و به مردم چنین وانمود می‌کنند که در آستانه ظهور هستیم و علامت‌های ظهور، محقق شده و سپس این علامت‌ها را بر مصداق‌ها منطبق می‌کنند تا بتوانند افراد را به سمت خودشان جلب کنند.

□ محمد رضا نصوری

در حال حاضر، مادر دوران غیبت ولی و حجت خدا اقرار گرفته‌ایم. دوازده قرن از دوران غیبت می‌گذرد و به علت طولانی شدن غیبت، چالش‌های متعددی در جامعه اسلامی ایجاد شده است:

- چالش اول، «فترت» است؛ به این معنا که امام از ما و ما هم از امام، فاصله داریم.
- چالش دوم، «حیرت و سرگردانی» هایی است که بر جامعه بشری، عارض شده است.
- چالش سوم، «فتنه» هایی است که از مطالب انتقادی و هجمه‌های فراوان، چه در درون و چه در بیرون از دین و مذهب خودمان، ناشی شده است.
- چالش چهارم، «یأس» است؛ یعنی به همان اندازه که دوران غیبت، طولانی تر شود، یأس در جامعه هم بیشتر خواهد شد.

### درمان چالش‌های دوران غیبت

چالش‌های مذکور، دارای درمان هستند:

- راه درمان فترت، این است که مردم به سوی امام، دعوت شوند.
  - راه مبارزه با حیرت و سرگردانی، این است که دلالت را برای مردم روشن کنیم.
  - درمان چالش فتنه، با حمایت و دفاع از امام، امکان پذیر می‌گردد. در دعای عهد می‌خوانیم: «اللهم اجعلنی من أنصاره وأعدائه الذابین عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه، والمحامین عنه والسابقین الیه إیرادته والمستشهدین بینه یدیه».
  - چالشی مثل یأس را نیز باید به امید تبدیل کنیم.
- اینها در صورتی ممکن است که در مقوله مهدویت در دوران غیبت، نگاهی کاملاً عالمانه داشته باشیم؛ نه نگاه احساسی؛ چون نگاه عالمانه و عقلایی انسان در مسیر امام زمان، بهتر و روشن‌تر انجام می‌گیرد. این نگاه و حرکت، نگاه و حرکت علما و اندیشمندان است. این گونه مسائل، باید بر اساس دستور خود امام زمان تبیین شود که فرمود: «و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا، فانهم حجتی علیکم و أنا حجت الله». در دوران غیبت، باید به علما، فقها و دانشمندان اعتقادی و دینی مراجعه کنیم. پس در مقابله با چالش‌هایی که

مشهدت

ضمیمه نشریه پاسخ، ویژه پویش مطالعاتی دانش جویان و طلاب جوان شماره چهارم / مهر ۱۴۰۱

# بازگشت علم به دین

آینده پژوهی

متن پیش رو، گزیده سخنرانی دکتر مهدی گلشنی، فیزیک‌دان و استاد برجسته دانشگاه شریف تهران، با موضوع «علم و دین در پرتو جهان بینی توحیدی» است که در نخستین وینار بین المللی «ادیان ابراهیمی و مواجهه با الحاد جدید»، ایراد شده است.



## فراز و فرود علم به دین

علم خدا باورانه، یعنی این نگرش که «طبیعت، آفریده خداست و تلاش علمی برای شناخت طبیعت، عبادت است»، در طول عصر تمدن اسلامی، پدیدار شد و در سده‌های میانه، ادامه یافت. این دیدگاه در آثار نیوتن، لایبنیتز و... وجود دارد و همچون چتری بر آثار علمی آنها سایه افکننده است.

نزدیک به ۱۵۰ سال پس از نیوتن، «آگوست گنت»، نظریه «تجربه‌گرایی» را مطرح کرد. او با کنار نهادن فلسفه و مذهب، تنها داده‌های حسی را «علم» دانست. این دیدگاه تا نیمه اول قرن بیستم ادامه یافت و دین و فلسفه، بیرون از علم به شمار رفت. تجربه‌گراها پنداشتند که می‌توانند پاسخ همه پرسش‌های خود را از علوم تجربی بگیرند.

در جنگ جهانی اول، ویرانی و کشتار بسیاری رخ داد. در سال ۱۹۲۴ م. «برتراند راسل» چنین نگاشت: «اگر روند علم، این گونه پیش رود، هیچ آینده‌ای برای تمدن بشری قابل تصور نیست!» با این وجود، تجربه‌گرایی، تفکر غالب در علم فیزیک و عرصه‌های دیگر به شمار آمد. جنگ جهانی دوم و کشته شدن هزاران انسان، وضعیت را پدید آورد که «انیشیتین» نوشت: «اگر امکان تولد زندگی دوباره بود، فیزیک را انتخاب نمی‌کردم و با هنر ادامه می‌دادم».

در نیمه دوم قرن بیستم، فلسفه علم، پدیدار شد؛ پرسش‌های مهمی را مطرح کرد و به نتایج مهمی دست یافت. یکی اینکه با ذهن‌های خالی، با طبیعت، مواجه نمی‌شویم. همه ما پنداشت‌هایی داریم که از خود علم، برنمی‌خیزد؛ بلکه با علم،

تطبیق داده می‌شود (پندارهای متافیزیکی فرا علمی).

دیگر اینکه دانشمندان، هنگامی که روی یک نظریه کار می‌کنند، آگاهانه یا ناآگاهانه، از برخی پنداشت‌های متافیزیکی، بهره می‌برند. آنها با وجود مخالفت با فلسفه و تاکید بر تجربه‌گرایی، از برخی مکاتب فلسفی، از جمله «تجربه‌گرایی» بهره می‌برند. بنابراین، کنار گذاشتن دین و فلسفه، به شکل‌گیری نوعی «جهان بینی سکولار» منجر شد که چند ویژگی داشت؛ رد کردن هر نوع دانش غیر محسوس، بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی در علم و نادیده انگاشتن نتایج ویرانگر علم، به ویژه نابودی محیط زیست انسانی.

فلاسفه علم و برخی دانشمندان دیگر، به چندین پرسش بسیار مهم (پرسش‌های نهایی پوپری) پرداختند؛ مثل از کجا آمده‌ایم؟ به کجا می‌رویم؟ و پرسش‌هایی از این دست. آنها بر این باور بودند که علم نمی‌تواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد. به عنوان مثال، «پیترو مداوار» گفت: «باید به متافیزیک، ادبیات تخیلی یا دین رجوع کنیم». «آرتور شلوی» هم گفت: «تنها پاسخ‌های ممکن برای این پرسش‌ها، پاسخ‌های دینی است».

## اصول متافیزیکی علم

فیزیک‌دانان، اصولی را به کار می‌برند که بیشتر آنها، از دین گرفته شده است. «آندره لینده» می‌گوید: «در حال حاضر، تمام نیروهای طبیعت، به سمت یک نیروی واحد، سوق داده می‌شوند؛ یک نیروی وحدت بخش؛ نیروی الکترومغناطیسی، نیروی گرانشی، نیروی هسته‌ای ضعیف، نیروی هسته‌ای قوی، همه به سمت یک نیروی واحد، کشانده می‌شوند و منشأ این نظر، ادیان توحیدی است». «انیشیتین» نیز می‌گوید: «این حقیقت که می‌توانیم طبیعت را درک کنیم، از ادیان توحیدی گرفته شده است».

## نقاط اشتراک ادیان توحیدی

باور به:

- یک موجود متعالی
- هدف‌داری آفرینش جهان
- اراده آزاد انسان‌ها
- دغدغه مشترک برای حقیقت
- استدلال کردن
- دیدگاه واقع‌گرایانه درباره طبیعت
- مطالعه طبیعت و آفریدگان خداوند، به منزله عبادت
- توانایی علم در بررسی راه‌های شناخت پروردگار
- علاقه به طرح و پاسخ به پرسش‌های نهایی بشر
- بررسی سلسله مراتب هادر هستی.

## ائتلاف علم و دین

با وجود انکار ظاهری، فیزیک‌دانان، برای پرداختن به نظریه‌های مهم، به فلسفه و سایر علوم، نیاز دارند. اکنون برخی دانشگاه‌ها در انگلستان و آمریکا به فکر تشکیل ائتلاف میان فلاسفه و دانشمندان، فیزیک‌دانان، ریاضی‌دانان، زمین‌شناسان و... افتاده‌اند و تاکنون چندین نشست علمی مهم در این زمینه برگزار شده است.

## کنار گذاشتن دین و فلسفه، به شکل‌گیری نوعی «جهان بینی سکولار» منجر شد که چند ویژگی داشت؛ رد کردن هر نوع دانش غیر محسوس، بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی در علم و نادیده انگاشتن نتایج ویرانگر علم، به ویژه نابودی محیط زیست انسانی

## مگر خمس برای غنائم جنگی نیست؟

معرفی کتاب «خمس در زمان رسول خدا» نوشته سید محمد تقی علوی

پرسش: چرا در احادیث و سیره نبوی، اثری از گرفتن خمس در غیر غنائم جنگی نیست و چرا رسول خدا عامل گرفتن زکات داشت؟ ولی عامل گرفتن خمس نداشت؟ یا سرنوشتی که نقل حدیث بعد از رسول خدا پیدا کرد و سیاسی شدن مسئله خمس، نباید انتظار داشت که به احادیث فراوان در این خصوص دست یافت؛

زیرا در زمان خلفای سه گانه، به بهانه اینکه نقل حدیث، موجب اختلاف بین مسلمین می شود و با استفاده از شعار «حسینا کتاب الله»، اجازه داده نشد سیره رسول خدا آن گونه که باید، نقل شده، منتشر گردد.<sup>۱</sup>

### شواهد و جوب خمس در زمان پیامبر

۱. در نامه هایی که پیامبر اکرم به سران قبایل مختلف می نوشت و آنها را به احکام اسلام فرا می خواند، از خمس، در کنار نماز و زکات، نام برده است. برای نمونه، ابن سعد می نویسد: رسول اکرم به بعضی از قبایل، نامه نوشت که مجازید از معادن زمین و کوه ها و دره های آن و از آب و علوفه آن استفاده کنید؛ مشروط به پرداختن خمس.<sup>۲</sup>

۲. لزوم پرداخت خمس از درآمدهای کسب، در چند روایت از رسول خدا وارد شده است:

### الف. روایت هیئت اعزامی عبدالقیس<sup>۳</sup>.

#### ب. خمس در نامه های پیامبر

پیامبر اکرم، در نامه های متعددی که به قبایل عرب نوشته، پرداخت خمس را سفارش نموده است. مانند نامه به عمرو بن حزم<sup>۴</sup> و نامه وفد بنوالبکاء که در این نامه آمده است: «کسی که اسلام آورد و اقامه نماز کند و زکات بپردازد و اطاعت خدا و رسول کند و از مغنم خمس بپردازد»<sup>۵</sup> و یا نامه به سران قبایل معافر و همدان، نامه به قبایل قضاعه و جذام، نامه به فجیع و بیروانش، نامه به جناده ازدی<sup>۶</sup>، نامه به عمرو بن مژه جهینه<sup>۷</sup>.

در این نامه ها، حضرت به یکی از حقوق حاکم جامعه اسلامی اشاره کرده و آن حق، این است که تمام مسلمانان، پس از کسر مئونه زندگی، باید یک پنجم درآمدهای مشروع خود را به رهبر بپردازند تا او بتواند با توان مالی بهتر، به توسعه اسلام و اداره امور تبلیغی و تعلیمی بپردازد.

در هیچ یک از این نامه ها، امر به جهاد نشده تا منظور از غنائم، غنیمت جنگی باشد؛ زیرا جهاد اسلامی، باید به امر پیامبر یا امام صورت گیرد و هرگز مردم حق ندارند به جهاد ابتدایی (نه دفاعی) بپردازند. امام شافعی و امام احمد، آشکارا می گویند جهاد بدون اذن امام یا اذن کسی که از طرف او مأمور به جهاد است، انجام نمی گیرد.<sup>۸</sup>

علاوه بر این، اگر این نامه ها واقعاً ناظر به جهاد ابتدایی با دشمن بود، باید حضرت، نحوه تقسیم اموال را به صورت مشروع بیان می کرد که آیا سهم سواره نظام با پیاده نظام، یکی است یا فرق می کند؟ همان گونه که مرحوم علامه طباطبائی در المیزان<sup>۹</sup> بیان فرموده، آیه، ظهور در یک حکم دائمی دارد؛ نه اینکه فقط مربوط به زمان جنگ باشد؛ پس معلوم می شود که خمس مربوط به



فوائدی غیر از غنائم جنگی نیز می باشد.

### ج. اعزام افراد برای جمع آوری خمس

رسول گرامی اسلام، افرادی را برای جمع آوری خمس اعزام می فرموده که از آن جمله، می توان به اعزام «عمر بن حزم» به یمن<sup>۱۰</sup> و اعزام امیرمؤمنان علیه السلام به یمن برای جمع آوری خمس و قضاوت و... اشاره کرد. با توجه به اینکه یمنی ها با رغبت و بدون جنگ، اسلام آوردند و بعد هم جنگی نکردند، مراد از خمس، نمی تواند خمس غنائم جنگی باشد.<sup>۱۱</sup>

### د. ضرورت تحقق هدف حکم

شیعه و سنی، اتفاق نظر دارند که بنی هاشم نمی توانند از زکات استفاده کنند؛ به طوری که رسول خدا اجازه نداد که بنی هاشم حتی به عنوان عامل زکات، فعالیت کنند<sup>۱۲</sup> تا حقی از زکات دریافت دارند.

خداوند، خمس را برای رفع نیازمندی آنان مقرر کرده و با نظر به کثرت نسل سادات در طول اعصار و با نظر به اینکه همواره جنگی نیست تا از خمس آن به سادات داده شود، معلوم می شود اختصاص حکم به غنائم جنگی، مورد نظر نبوده؛ و الا هدف اصلی از جعل حکم، محقق نمی گردید.

### پی نوشت:

۱. ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷.
۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۶۷.
۳. بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۲۲.
۴. ابن هشام، سیره، ج ۴، ص ۵۹۵.
۵. ابن سعد، طبقات کبری، ج ۱، ص ۲۷۴.
۶. همان، ج ۱، ص ۲۷۰، ص ۳۰۴ و ۳۰۵، ص ۲۷۰.
۷. الوثائق السياسية، ص ۲۶۵، شماره ۱۵۷.
۸. ابواسحاق شیرازی، المهذب، ج ۲، ص ۲۲۹؛ الرملی، نهیة المحتاج، ج ۸، ص ۶۰.
۹. محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۹، ص ۹۱.
۱۰. ابن هشام، سیره، ج ۴، ص ۵۹۵.
۱۱. ابن قیم الجوزیه، زاد المعاد فی هدی خیرالعباد، ج ۱، ص ۳۲.
۱۲. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۵۲.

**رسول گرامی اسلام، افرادی را برای جمع آوری خمس اعزام می فرموده که از آن جمله، می توان به اعزام «عمر بن حزم» به یمن و اعزام امیرمؤمنان علیه السلام به یمن برای جمع آوری خمس و قضاوت و... اشاره کرد. با توجه به اینکه یمنی ها با رغبت و بدون جنگ، اسلام آوردند و بعد هم جنگی نکردند، مراد از خمس، نمی تواند خمس غنائم جنگی باشد**

## زمینه‌های اساسی تولید شبهه

کشیده می‌شوند.

### ۲. حماقت و کم‌خردی

خرد یا عقل، نیرویی درونی است که در شناخت واقعیت، فهم حقیقت، بازشناسی حقیقت از خرافه و درک مفاهیم کلی (عقل نظری) و شناخت خوب و بد، درست و نادرست، صادق و کاذب و بازشناسی حق از باطل (عقل عملی)، به انسان یاری می‌رساند. در فرهنگ دینی، در برابر عقل نظری، اصطلاح جهل و در برابر عقل عملی، اصطلاح حُمق به کار رفته است. جاهل، کسی است که نمی‌تواند واقعیت و حقیقت را آن گونه که هست، بشناسد و توان بازشناسی حقیقت از خرافه را ندارد؛ در حالی که احمق، از شناخت خوب و بد و تشخیص حق از باطل، ناتوان است. به عبارت دیگر، جاهل، قدرت تصور موجودات (مادی و مجرد) و تصدیق واقعیت‌ها و حقایق را ندارد؛ در حالی که احمق، نمی‌تواند رفتار خوب را از بد تشخیص داده، بر اساس ارزش‌های صحیح، تصمیم بگیرد. به تعبیر دیگر، جاهل، کسی است که به جای واقعیت، توهم و به جای حقیقت، خرافه را باور می‌کند؛ در حالی که احمق، باطل را حق و بد را خوب می‌پندارد.

نکته اساسی این است که عقل نظری و عملی و نیز جهل و حمق، دارای مراتب و درجاتی هستند. بر اساس برخی از روایات دینی، دگرگونی و افزایش درجات عقل، توسط خود انسان، ممکن نیست و عقل، موهبتی خدادادی و غیرقابل تغییر، قلمداد شده است.

بر این اساس، می‌توان گفت که یکی از زمینه‌های مهم تولید شبهه، کم‌عقلی فرد، از لحاظ نظری و عملی است. کسی که عقل نظری ضعیفی دارد، از شناخت و باور به واقعیت‌ها و حقایق جهان هستی، ناتوان است و ممکن است آن را نپذیرفته، یا توهم را واقعیت و خرافه را حقیقت بپندارد. از سوی دیگر، فرد احمق، توان فهم و تصدیق ارزش‌های والا و تشخیص خوب از بد و حق از باطل را ندارد و ممکن است بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و فرمان‌های عملی دین را نفهمد و نپذیرد و یا آنکه امور نادرست و باطلی را حق و درست بپندارد و به آنها ملتزم شود.

□ احمد رضا فامیل  
دردشتی

شبهه (تردید افکندن در معارف و آموزه‌های یقینی یا معتبر دینی)، به مثابه یک پدیده روان‌شناختی، در زمینه‌های خاص و بر اثر عوامل گوناگون فردی و اجتماعی، تولید و توزیع شده، بر مخاطبان، تأثیر می‌گذارد. در این نوشتار، تلاش می‌کنیم زمینه‌های روان‌شناختی مساعد برای پیدایش و پرورش شبهه را تا اندازه‌ای توضیح دهیم.

### ۱. نادانی و کم‌اطلاعی

دین به عنوان برنامه جامع زندگی مؤمنانه، مجموعه معارف و آموزه‌های نظری و عملی فرآمده از سوی خداوند، درباره آغاز، تطور و فرجام جهان هستی، شخصیت و هویت انسان، نظام ارزش‌ها و برنامه عملی زندگی اوست. دین، بیش و پیش از آنکه از سنخ عمل باشد، از سنخ علم، معرفت و بینش بوده، از این رو، نیازمند آموختن از طریق دانش‌آموزی و مطالعه است. دین‌داری اغلب دین‌داران، جنبه تقلیدی و خانوادگی داشته، از عمق علمی و گستردگی مطلوب، برخوردار نیست. بنابراین، ندانستن حقایق دینی و کم‌اطلاعی درباره معارف، آموزه‌های اخلاقی و احکام عملی دین، نخستین زمینه اساسی گرفتاری در دام شبهه‌سازی و شبهه‌سازان است.

نکته قابل توجه در این راستا، این است که نادانی و کم‌اطلاعی درباره معارف و آموزه‌های دین، خود معلول وجود زمینه‌ها و بسترهای عمیق‌تر و اساسی‌تر اجتماعی، فرهنگی و تربیتی است. در جامعه یا خانواده‌ای که به آگاهی، دانش، بینش و آموختن، بها داده نشده و جایگاه و ارزش انسان‌ها بر اساس کمیت و کیفیت دانش و

بینش آنها ارج‌گذاری نگردد، نادانی و کم‌اطلاعی از مسائل مهم زندگی، امری عادی است و نسبت به آن، نكوهشی صورت نمی‌گیرد. وقتی جامعه و خانواده، بیش از هر چیز، به امور احساسی، مادی و ظاهری بها دهد و برای دانش و دانشمندان، ارزش چندانی قائل نباشد، معمولاً افراد، سطحی، نادان، کم‌اطلاع، بی‌اعتنا به آموختن و رشد علمی و فاقد تفکر انتقادی بار می‌آیند. در چنین جامعه‌ای، خرافات، شبهات و شایعه‌ها، به سرعت ساخته و فراگیر شده، نگرش و رفتار انسان‌ها را کنترل می‌کند. از آنجا که چنین افرادی، علاقه و آمادگی لازم برای بررسی و تحقیق درباره درستی یا نادرستی مسائل را ندارند، فراوان و با سرعت، گرفتار شبهات شده، در فکر و عمل به گمراهی





رفع شبهه

## فقط قرآن؛ غیر آن رانمی پذیریم!

**شبهه: برخی می گویند: ما هر چه قرآن بگوئید، قبول داریم و غیر آن رانمی پذیریم؛ چون شما عالمان دینی، به ما یاد داده اید که کتب روایی ما پر است از احادیث ضعیف و نمی توان به آنها اعتماد کرد. بنابراین، ما احکامی را که در قرآن نیامده، نمی پذیریم.**

**پاسخ:**

آقای اوست» و فرمود: «من به شما وصیت می کنم درباره کتاب خدا و خاندانم؛ زیرا من از خدای عزوجل خواسته ام میانشان جدایی نیفکند تا آنها را کنار حوض به من رساند. خدا این خواست مرا بر آورد.»<sup>۳</sup>

در نتیجه، وظیفه بیان موارد و تبیین جزئیات دین، بر عهده پیامبر است. بر اساس حدیث متواتر و معتبر ثقلین و ضرورت بین مسلمین- شیعه و سنی- همه تعالیم و سفارشات دین، در قرآن نیامده است؛ بلکه عمدتاً کلیات مسائل در قرآن ذکر شده و فروع و جزئیات، توسط معصومان تبیین شده است. از این رو، نمی توان گفت هر حکمی در قرآن بود، قابل پذیرش است؛ و گرنه خیر!

۳. جزئیات نماز، روزه، حج، خمس، زکات و سایر احکام، در قرآن نیامده است. اگر شما بخواهید به طور کامل به مدعای خود عمل کنید، نه می توانید نماز بخوانید، نه می توانید روزه بگیرید، نه می توانید حج به جا بیاورید و نه هیچ واجب دیگری.

۴. همان کسانی که گفته اند روایات مجهول و معقول فراوانی داریم، به ما یاد داده اند که روایات نورانی و اصیل و غنی بسیاری نیز از خاندان عصمت صادر شده که باید به آنها توجه و عمل کرد. این روایات، به وسیله متخصصان فن، بر اساس علوم حدیث شناسی، از سخنان ساختگی، بازشناسی می شوند.

۵. بسیاری از گویندگان این اشکال در عصر ما، بعد از نفی روایات، وقتی نوبت به خود کتاب می رسد، آیات را نیز با اشکالاتی مانند تاریخ مند بودن گزاره ها یا متناسب بودن با فرهنگ آن زمان یا تغییر شرایط جامعه امروز، از قابلیت رجوع و استفاده می اندازند و این گونه دیگر اثری از کتاب و سنت یادین باقی نمی گذارند.

بودن با فرهنگ آن زمان یا تغییر شرایط جامعه امروز، از قابلیت رجوع و استفاده می اندازند و این گونه دیگر اثری از کتاب و سنت یادین باقی نمی گذارند.

□ حمید کریمی

پی نوشت:

۱. نحل، آیه ۴۴
۲. حشر، آیه ۷
۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۱

**بر اساس حدیث متواتر و معتبر ثقلین و ضرورت بین مسلمین- شیعه و سنی- همه تعالیم و سفارشات دین، در قرآن نیامده است؛ بلکه عمدتاً کلیات مسائل در قرآن ذکر شده و فروع و جزئیات، توسط معصومان تبیین شده است. از این رو، نمی توان گفت هر حکمی در قرآن بود، قابل پذیرش است؛ و گرنه خیر**

۱. این سخن، شعاری دیرینه است و از زمان رحلت پیامبر اسلام و در جریان جنگ صفین و داستان حکمیت، کسانی مثل خوارج، فریاد می زدند: «حسبنا کتاب الله» و امروزه نیز به نحو دیگری بیان می شود. نتیجه چنین تفکر خطرناکی، ایستادن در مقابل امیرالمومنین (علیه السلام) و تکفیر و قتل ایشان است.

۲. چه کسی گفته که دین مساوی با قرآن است؟ آیا خداوند متعال و فرستنده دین، فرموده یا پیامبر و حامل دین؟ در حالی که قرآن، خلاف آن را در چند آیه بیان کرده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده، برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند.»

«مَا تَأْتِكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»

آنچه را رسول خدا برای شما آورده، بگیرید و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید.»

ابوبصیر درباره آیه ۵۹ سوره نساء (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) از امام صادق (علیه السلام) پرسید: چرا قرآن نام ائمه را در قرآن نبرده است؟ اگر واقعا حق با شیعه است و مراد از «اولیای امور»، امام علی و اهل بیت (علیهم السلام) هستند، چرا آنان را به نام معرفی نفرمود؟ امام در پاسخ فرمود: وقتی برای پیامبر، آیه نماز نازل شد، خدا در آن، سه رکعت و چهار رکعت را نام نبرد تا آنکه رسول خدا، آن را شرح داد.

آیه زکات نازل شد؛ خدا نام نبرد که باید از چهل درهم، یک درهم داد تا آنکه رسول خدا آن را شرح داد. آیه حج نازل شد و به مردم نفرمود که هفت دور طواف کنید تا آنکه رسول خدا آن را برای مردم توضیح داد. آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» درباره علی و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شد و رسول خدا درباره علی فرمود: «هر که من مولا و آقای اویم، علی مولا و

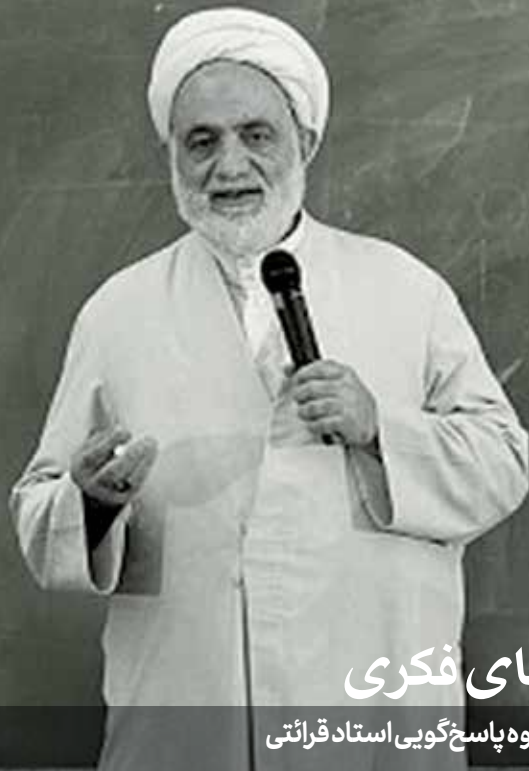
شعر پاسخ  
می ترسم از تردید

آن روزها راحت دلم کوتاه می آمد دل می سپردم هر کسی از راه می آمد گاهی خدا را در ته هر چیز می دیدم با خود ملائک را سر یک میز می دیدم حتی برای آب، گاهی گریه می کردم در روضه ارباب، گاهی گریه می کردم گاهی مرا می کشت، گاهی زنده ام می کرد آن روزها راحت خدا شرمند ام می کرد تا گریه می رفتم اگر گاه بد بودم آن روزها آینه بودن را بلد بودم امروز اما من به مردن فکر خواهیم کرد به مرگ مثل آب خوردن فکر خواهیم کرد گاهی برای مغ و ماهی کفر می گویم پیش کبوترهای چاهی کفر می گویم بپراهه تردید آوردم به ترکستان در کعبه هم گم می شوم از کوچه ایمان این روزها در دام اهریمن که می افتم گاهی به فکر خودکشی کردن که می افتم من هیچ راه خانه را پیدا نخواهم کرد من زنده هستم، زندگی اما نخواهم کرد چون روزه داری منتظر بر سفره افطار من لحظه ها را گشتم از تکرار از تکرار من ماندم و تهدید ساعت های دیواری من ماندم و حجم تناقض های تکراری

\*\*\*

از چشم های من بخوان، چشم انتظاری چیست سردرگمی در راهروهای اداری چیست من خوب می فهمم هوس های ریاست را من می شناسم استرس های حراست را می ترسم از اشفتگی بر شانه غم ها می ترسم از نامهربانی های آدم ها می ترسم از تهدیدهای ناظم و دفتر می ترسم از مردودی خرداد و شهریور از در خیابان ها سراپا دود بودن هم در پاسخ لبخند، اخم آلود بودن هم از مصلحت های خدا وقت دعا کردن با دست خالی درد عالم را دوا کردن از مشق های ناتمام روزهای عید می ترسم از تردید، از تردید، از تردید من ماندم و این ترس های ناگزیرای دوست از ابرهای شک، نپوشان روی آبی را در من شکوفا کن یقینی آفتابی را ای مرده شور مرده شور روی تردید است جانان الهی زنده باشد هر چه خورشید است □ آرش پورعلیزاده

مرکز  
علمی  
عقیدت



پیشگامان پاسخ‌گویی

## دفاع از مرزهای فکری

بررسی مؤلفه‌های شاخص در شیوه پاسخ‌گویی استاد قرائتی

مؤلفه‌ها

ضمیمه نشریه پاسخ،  
ویژه‌پوشش مطالعاتی  
دانش جویان و  
طلاب جوان  
شماره چهارم / مهر ۱۴۰۱

۷

در کلام بیفتند و نه دشوار، پیچیده و مبهم‌گویی را وسیله اظهار فضل خود قرار داده‌اند، اشاره کرد و البته نتیجه اتخاذ این گفتمان، افزایش و گسترده‌گی مخاطبان بوده است.

۲. توجه به ابزارهای علمی متقن و مستند  
در این زمینه، شاهد کثرت استناددهی ایشان به منابع مختلفی از حوزه علوم دینی پایه، همچون ادبیات عرب گرفته تا متون معرفت دینی مبتنی بر شواهد و واکاوی‌های عقلی و نقلی و نیز بهره‌مندی از انواع مآخذ تاریخی، سیاسی و اجتماعی و مشتمل بر مستندات و تحلیل‌های درون و برون دینی هستیم.

### ۳. منشاشناسی شبهات

ایشان از منشاشناسی شبهات، غافل نبوده، در مواردی، با یا بدون ذکر نام و نشان گروه‌های فکری نام‌آشنا و مؤثر بر اندیشه و ضمیر جامعه، اقدام به پاسخ‌گویی به شبهات این جریان‌ها، با بهره‌گیری از متون اصیل و مقبول نزد همان گروه‌ها - همچون شبهات وهابیت - نموده است.

### ۴. توجه به عنصر موقعیت و زمان‌شناسی

بدون تردید، این شاخصه، نشانه مهمی از تسلط علمی، کارآمدی و امعان نظر یک شخصیت دینی است. در این راستا و بر خلاف برخی چهره‌های نامدار علمی که در وقایع سهمگین سیاسی - اجتماعی، رویکرد سکوت و ترک صحنه را بر می‌گزینند، وی عقب‌نشسته، در همان روزهایی که گروه‌های منحرف یا معاند، از طریق رسانه‌های فراگیر، اقشار جامعه را آماج انواع شبهات قرار دادند و در فضایی که نیاز شدیدی به رفع شبهات فتنه‌انگیز توسط شخصیت‌های اثرگذار احساس شده است، ایشان در صحنه حاضر شده، با مستندات، برداشت‌ها و بیانی قابل دفاع از منابع اصیل معرفتی، ذهن‌های تشنه را سیراب نموده است. هرچند نمی‌توان ادعا داشت که پاسخ‌های ارائه شده توسط ایشان، همواره جامع و خالی از نقص بوده، اما می‌توان گفت هر یک از این پاسخ‌ها، در بستر زمانی و مکانی خویش، تا حد مقبولی، مخاطبان را به بستر اقتناع، نزدیک کرده یا دست کم به گونه‌ای مطرح شده که مخاطب را به تأمل، تحقیق و مطالعه بیشتر درباره آن شبهه واداشته و او را از فرورفتن در آن چالش، دور کرده است.

□ سید محمد مهدی موسوی نیا

استاد  
قرائتی، شبهات  
را به خاری در پایا تیغی در  
مغز، تشبیه می‌کند که با وجود آن،  
حرکت و اندیشه و اعتقاد یافتن و نجات از  
وسوسه‌ها، بسیار مشکل است. بنابراین، اهمیت  
پاسخ متقن به شبهات را در موقعیت‌های  
مختلف، یادآوری و خطرات ناشی از  
عدم پاسخ‌گویی صحیح به  
شبهات را بارها گوشزد  
کرده است

آگاهی از شیوه‌ها و شاخصه‌های پاسخ‌گویی عالمانه به شبهات، به عنوان عاملی راهبردی و کارآمد در پاسخ‌گویی به شبهات، توسط عموم مبلغان و فعالان حوزه دین، شناخته می‌شود. در بستر این مهم و در میان عالمان معاصر، استاد محسن قرائتی، از جمله چهره‌های سرشناسی است که با اهتمام به این وظیفه خطیر و در پرتو آموزه‌های قرآنی، سالیان متمادی، در مسیر دفاع از مرزهای عقیدتی، گام برداشته است.

استاد قرائتی، از ابتدای شروع فعالیت‌های تبلیغی، لزوم پاسخ به شبهات و به ویژه شبهات نسل جوان را مورد توجه قرار داده است. وی شبهات را به خاری در پایا تیغی فرورفته در مغز، تشبیه می‌کند که با

وجود آن، حرکت و اندیشه و اعتقاد یافتن و نجات از وسوسه‌ها، بسیار مشکل است. بنابراین، اهمیت پاسخ متقن به شبهات را در موقعیت‌های مختلف، یادآوری و خطرات ناشی از عدم پاسخ‌گویی صحیح به شبهات را بارها گوشزد کرده است؛ از جمله در این زمینه، چنین ایراد نموده است:

«اگر ما قوای نظامی می‌خواهیم، نیروهای مسلح می‌خواهیم که مرز را حفظ کند، مرز فکری را هم باید یک گروهی حفظ کنند. حفظ مرز فکری، کمتر از حفظ مرز آبی و خاکی نیست. چقدر بودجه می‌گذاریم برای اینکه مرز آب و خاک حفظ بشود؟ لب مرزها، نیروهای مسلح هستند. همین‌طور که حفظ مرز خاکی مهم است، حفظ مرز دینی هم مهم است. اگر یک کسی یک اشکالی کرد، یک شبهه‌ای کرد، باید یک گروهی باشند؛ مثل یک جایی که آتش گرفت، باید آتش‌نشانی باشد، مریض شدند باید پزشک باشد، اگر یک وقت اشکالی شد، باید یک جمعی اسلام‌شناس، بتوانند دفاع کنند.»

از یک منظر، می‌توان چهار مؤلفه شاخص را از نوع پاسخ‌های استاد، استخراج نمود:

### ۱. فنون و سبک پاسخ به شبهات

در این زمینه، می‌توان به سرفصل‌هایی چون توجه فراوان به فن تشبیه، متناسب با سن و نوع و مقتضیات مخاطب، بهره‌گیری از روش تفسیر قرآن به قرآن و نیز استفاده حداکثری از عنصر بیان صریح، ساده و شفاف، به گونه‌ای که نه به بهانه عوام بودن مخاطب، به ورطه سستی یا دوری از ادب و متانت

دعوا بر سر مسئله با حجاب و بد حجاب نیست؛ دعوا بر سر از دنیا رفتن یک دختر جوان نیست؛ دعوا اینها نیست. خیلی از این کسانی که حجاب کاملی هم ندارند، جزو هواداران جدی نظام جمهوری اسلامی هستند؛ شمامی بینید در مراسم مذهبی، در مراسم انقلابی، اینها شرکت می کنند؛ بحث سر اینها نیست. بحث سر اصل استقلال و ایستادگی و تقویت و اقتدار ایران اسلامی است.



## ویکی پاسخ جاودانگی اسلام و نیازهای متغیر بشر

کرده، آن را حجت باطنی معرفی کرده است. البته باید توجه داشت که مراد از حکم عقل، این نیست که عقل در تمام موضوعات و احکام شرعی، دخالت دارد؛ بلکه منظور این است که در موارد خاصی، به وسیله عقل، بعضی از مشکلات حل می شوند.<sup>۲</sup>

۲. احکام الهی تابع مصالح و مفاسد: هیچ حکمی از احکام الهی، بی مصلحت نیست و هر آنچه واجب شده، دارای مصلحتی فردی یا اجتماعی است و هر آنچه حرام شده، دارای مفسده‌ای است که به زیان فرد یا اجتماع یا هر دو می باشد. همین مسئله، باعث شده که قوانین اسلامی، جاودانی باشند؛ زیرا مصلحت‌ها و مفسده‌ها، مساوی نیستند. در چنین مواردی، علمای اسلامی، به کمک عقل، به تأسیس قاعده «رعایت اهم و مهم» پرداخته‌اند.<sup>۳</sup>

۳. اجتهاد و استنباط احکام: اجتهاد، یعنی کوشش برای درک قوانین اسلام با استفاده از کتاب، سنت، اجماع و عقل. یکی از شرایط جاویدان ماندن اسلام، همین اجتهاد است؛ زیرا از همین طریق می توان حکم هر موضوعی را از منابع اسلامی، استخراج کرده، بدین وسیله از قوانین دیگر بی نیاز بود.<sup>۴</sup>

۴. اختیارات حاکم اسلامی: اسلام به شخص پیامبر و جانشینان او که اداره اجتماع را بر عهده دارند، اختیاراتی داده که به وسیله آنها می توانند مشکلات زیادی را حل کنند. البته این اختیارات، دامنه وسیعی دارد که در شرایط جدید، می تواند با توجه به اصول اسلامی، یک سلسله مقررات وضع نماید. همین اختیارات، با شرایطی به حاکم شرع داده می شود.<sup>۵</sup>

۵. انعطاف پذیری قوانین اسلام: عاملی که به قوانین اسلامی، خاصیت انعطاف پذیری داده، وجود یک سلسله قواعدی است که فقها این قواعد را «قواعد حاکمه» نامیده‌اند؛ یعنی قواعدی که بر سراسر احکام اسلام، حکومت می کنند؛ مثلاً بر اساس آیه «ما جعل علیکم فی الدین من حرج»<sup>۶</sup> و حدیث «لا ضرر ولا ضرار»، هر حکمی که باعث حرج و مشقت و ضرر و زیان باشد، برداشته می شود. البته تشخیص این ادله و عمل کردن به آنها، فقط کار مجتهدان می باشد.<sup>۷</sup>

### پی نوشت:

۱. مرتضی مطهری، خاتمیت، ص ۱۲۴-۱۲۵.
۲. جعفر سبحانی، خاتمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل، ص ۱۵۲-۱۵۶.
۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۹۰.
۴. خاتمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل، ص ۱۶۰-۱۶۱.
۵. همان، ص ۱۶۳.
۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۹۴-۱۹۵.
۷. حج، آیه ۷۸.
۸. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۹۴.

پرسش: با توجه به جاودانگی اسلام، قوانین محدود و ثابت آن، چگونه پاسخگوی نیازهای نامحدود و متغیر بشر است؟

پاسخ: جاودانگی اسلام به معنای جمود و سکون نیست؛ بلکه با قابلیت انعطاف‌گونه و آگاهانه، سعی بر این دارد که دگرگونی‌های انسان را درک کند تا تغییر تاریخی آن و احوال و افکارش، سبب سختی و رنج او نشود. جاودانگی اسلام، همراهی با رشد و تکامل بشر است و عقل را پشتوانه خود می داند و آن را جزو مصادر تشریح و مبانی استنباط خود گرفته تا از تضاد احکام تاریخی با وضعیت روز، جلوگیری کند.

به طور کلی، قوانین اسلام، به دو دسته زیر تقسیم می شوند:

### الف. قوانین ثابت

این گونه قوانین، مربوط به شئون فردی و اجتماعی انسان است که برگرفته از اصول فطری ثابت اوست و در تمام اجتماعات و فرهنگ‌های متفاوت، یکسان هستند؛ مثلاً نیاز انسان به خانواده و اجتماع، به خاطر اجتماعی بودن انسان است. در این صورت، قوانین مربوط به برقراری نظم و عدالت اجتماعی و روابط و حقوق افراد و وظایف زن و شوهر در برابر یکدیگر، باید ثابت باشد.<sup>۱</sup>

### ب. قوانین متغیر

این گونه قوانین، مربوط به شرایط خاص زمانی و مکانی و... است و جوامع مختلف بشری نسبت به آنها با هم فرق دارند؛ مثلاً اسلام در مسائل دفاعی، احکام ثابتی ندارد؛ لذا اسلام در این باب، به عنوان یک اصل کلی، درصدد تقویت بنیه نظامی بوده، مصداق و کیفیت دفاع را معین نکرده است. «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه»؛ یعنی مسلمانان باید در هر زمان، تا آخرین حد امکان، از لحاظ قوای نظامی و دفاعی، در برابر دشمن، قوی باشند.<sup>۲</sup>

قابلیت تغییر قوانین اسلام نسبت به نیازهای بشر

برای اینکه مسلمانان در هیچ قضیه‌ای، بدون حکم نمانند، علاوه بر قرآن و احادیث، چند راه دیگر برای استخراج قوانین اسلام، معرفی شده است:

۱. حکم عقل: اسلام، حکم عقل را امضا



ویکی پاسخ  
انجمن علمی و پژوهشی

شاهد

شبهه‌شناسی

نظارت بر فضای مجازی

ضمیمه نشریه پاسخ

ویژه پویش مطالعاتی دانش جوانان و طلاب جوان مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)

- pasokh.org
- spasokh.com
- wikipasokh.com
- pasokh.tv
- shobhepajouhi.ir